

به نام خداوند جان آفرین

۱۳۶- گ ۱: موارد «ج» و «د» مربوط به ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی است.

۱۳۷- گ ۴: علوم و فنون ادبی (۱) - ص ۶۴

۱۳۸- گ ۱:

مکاتیب، مجالس سبعه، مثنوی معنوی و دیوان شمس، همگی برای مولانا هستند.

صد پند، رساله دلگشا و موش و گربه، همگی از آثار عبید زاکانی هستند. (گزینه‌های ۲ و ۳ حذف می‌شوند).

نفحات‌الانس، بهارستان و تحفه‌الاحرار، برای جامی است.

عشاق‌نامه و لمعات، از آثار فخرالدین عراقی است.

۱۳۹- گ ۲:

نفحات‌الانس به پیروی از تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری نوشته شده است. علوم و فنون ادبی (۲) - ص ۱۸

۱۴۰- گ ۳: در گ ۱، نفی زهد ریایی، در گ ۲ اعتقاد به قضا و قدر، و در گ ۴ رنج‌پذیری عاشق و ملامتی بودن، همگی از ویژگی‌های فکری سبک عراقی است اما در گ ۳، اشاره به عدل الهی و نعمت‌بخشی خدا دارد که مختص به سبک خاصی نیست!

۱۴۱- گ ۲: این بیت برای فرخی یزدی است. علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۱۷

۱۴۲- گ ۱:

شمس و طغرا: محمداقرا میرزا خسروی (علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۱۹)

بره گمشیده راعی: هوشنگ گلشیری (علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۷۳)

۱۴۳- گ ۳: این گزینه جزء ویژگی‌های زبانی است. (علوم و فنون ادبی (۳) - صص ۹۷-۹۸)

۱۴۴- گ ۲:

داستان باستان (میرزا حسن خان بدیع) - علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۱۹

جای پای خون (سید مهدی شجاعی) - علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۸۰

همسایه‌ها (احمد محمود) - علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۷۳

تهران مخوف (مرتضی مشفق کاظمی) - علوم و فنون ادبی (۳) - ص ۷۳

۱۴۵- به نظرم در گ ۱ مجاز نداریم. نیز در گزینه ۴، استعاره مصرحه نداریم. پس این تست غلط است.

گ ۲: زلف و رخ با سایه و روشن، لف و نشر مرتب دارد / چمن مجاز از باغ (ذکر جزء و اراده کل)

گ ۳: دور از لب تو ایهام دارد: الف) از لب تو به دور باد (جمله دعایی) ب) هنگام دور بودن از لب تو / شمع سیه‌روز: استعاره مکنیه / آتش استعاره مصرحه از غم درون=عشق؛ آب استعاره مصرحه از گریه.

۱۴۶- گ ۴:

در گ ۱: کام حرص، استعاره مکنیه از نوع اضافه استعاری

در گ ۲: سلام کردن باغ، قیام کردن سرو، پیاده رفتن سبزه و سوار رسیدن غنچه، همگی استعاره مکنیه هستند.

در گ ۳: ترشروی گردون و خنده برق، هر دو استعاره مکنیه هستند.

اما در گ ۴، لعل استعاره مصرحه از لب است. در صورت سوال هم، تراویدن مهتاب، استعاره مکنیه است.

۱۴۷- گ ۳: کوه جنون، اضافه تشبیهی است که جنون به کوه مانند شده است. / خنده بهار، استعاره مکنیه است / لب در معنای عضوی از بدن، با خنده ایهام تناسب دارد. / خنده شیرین، حس آمیزی است. دو حس بینایی یا شنوایی با چشایی آمیخته شده‌اند.

۱۴۸- گ ۴. وجوه شبه عبارتند از:

بیت اول: از نقاب بیرون آمدن / آب از سر گذشتن

بیت دوم: اندر آب دادن

بیت چهارم: درفشان بودن

۱۴۹- گ ۴:

در بیت الف، جام مجاز از شراب است (ذکر ظرف و اراده مظروف) - جگر تشنه بودن جام هم تشخیص است.

در بیت د، در و سر، جناس اختلافی دارند. / ترک سر گفتن کنایه از جانبازی و گذشتن از جان است.

۱۵۰- گ ۱:

مشبه: آب چشم من / مشبه به: دانه نار / چون: ادات تشبیه (مشبه به، سرخی که محذوف شده)

کام روان، مشبه است و ناردان مشبه به

۱۵۱- گ ۲:

- ج، مزه و ابرو با تیر و کمان، لف و نشر مرتب دارد (گزینه های ۱ و ۳ حذف میشوند).
- د، سیه‌روزی، کنایه از بدبخت بودن.
- الف، وفا و جفا، جناس اختلافی دارند.
- ب، مات و شاه در معنی اصطلاحات شطرنج، که منظور شاعر نیستند، با هم ایهام تناسب دارند.
- ه، سرکش بودن زلف، استعاره مکنیه است.

۱۵۲- تست قطعا غلط است

- الف، گوی در مصراع نخست بن مضارع است و در مصراع دوم ابزار بازی چوگان است.
- ج، بری در مصراع نخست «دور بودن» است و در مصراع دوم «بردن = رحمت بردن» است.
- ۱۵۳- گ ۳:

- بیت اول، «زبان» و «جان» کلمه قافیه هستند که «ان» حروف قافیه است: قاعده ۲
- بیت دوم، «شکر» و «هر» کلمه قافیه هستند که «ر» حروف قافیه است: قاعده ۲
- بیت سوم، «زیبایی» و «بگشایی» کلمه قافیه هستند که «ا» حرف قافیه است و «یی» حروف الحاقی: قاعده و تبصره ۱
- بیت چهارم، «پا» و «رعنا» کلمه قافیه هستند که «ا» حرف قافیه است: قاعده ۱
- ۱۵۴- گ ۴:

وزن مصراع سوال: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

گ ۱: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

گ ۲: فاعلاتن فعلاتن فعلن (در رکن اول اختیار شاعری وزنی داریم: آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن)

گ ۳: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

:۱۵۵

گ ۱: د ر ود = فَعْلَن / مان گفت = فع لن؛ بنابراین ابدال داریم. / «گفت»، هجای کشیده است که طبق اختیار شاعری وزنی، آن را هجای بلند فرض میگیریم.

گ ۲: = در «حافظ ار» حذف همزه داریم. / خوا هی = فع لن / شا نست = فع لن؛ بنابراین ابدال داریم. / «نست»، هجای کشیده است که طبق اختیار شاعری وزنی، آن را هجای بلند فرض میگیریم.

گ ۳: در «کن آنچنان» حذف همزه داریم. / «رفت»، هجای کشیده است که طبق اختیار شاعری وزنی، آن را هجای بلند فرض میگیریم.

گ ۴: در «از آن» حذف همزه داریم. / «ریب» و «رفت»، هجای کشیده هستند که طبق اختیار شاعری وزنی، آن را هجای بلند فرض میگیریم.

۱۵۶- گ ۲:

وزن شعر: فاعلاتن مفاعن فعلن

شد نیست = فع لن؛ بنابراین ابدال داریم.

«نیست»، هجای کشیده است که طبق اختیار شاعری وزنی، آن را هجای بلند فرض میگیریم.

سای ی در اصل، - U U است اما به ضروت - U - تقطیع میکنیم (کسرۀ اضافه)

۱۵۷- گ ۱:

۱، مفاعن فعلاتن مفاعن فعلن

۲، مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن = مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن

۳، مفعول مفاعیل مفاعیل فعلون = مستفعل مستفعل مستفعل مستف

۴، مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن = مستفعلن فعلون مستفعلن فعلون

۱۵۸- گ ۳: مفعول مفاعیل مفاعیل فعلون

گ ۱: مفتعلن مفاعن مفتعلن مفاعن

گ ۲: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

گ ۴: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۵۹- گ ۱: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۶۰- گ ۳: در «آبِ قدمش»، «ب» هجای کوتاه است که طبق قاعده کسره اضافه، بلند فرض میکنیم.

گ ۱، وزن شعر: مفعول مفاعیل مفاعیل فعل = مستفعل مستفعل مستفعل مُس (فع)

گ ۲، خُش تیز = بَر خیز = لُن فَع

گ ۴، «یز» حروف قافیه است و «ز» حرف روی.

۱۶۱- گ ۴: در صورت سوال و این گزینه، هر دو به فداکاری برای دیگران اشاره دارد.

۱۶۲- گ ۲: در صورت سوال و این گزینه، هر دو به «عدم اسراف» اشاره دارد.

۱۶۳- گ ۴: در همه ابیات به ابدی بودن و دوام و جاودانگی عشق اشاره دارد اما در گ ۴، اشاره دلبری و شورانگیزی و فتانی چشمان معشوق اشاره دارد.

۱۶۴- گ ۴: الف، به غم‌گرایی اشاره دارد.

ج، به گله از معشوق و تنهایی خود اشاره دارد

د، به زیبایی معشوق و عشق‌بازی با وی اشاره دارد.

۱۶۵- گ ۱

موفق باشید